

درک ژرفا و اشتیاق

دکتر محمدرضا سنگری

اگر شب عاشوراییان چون کندوی عسل بوده است، باید شب عاشورا را شب شیرین‌دهنان و شهدآفرینان بنامیم و اگر مشاوره، کاری از سنخ شهدآفرینی و شیرین‌کام‌سازی باشد، باید مشاوران صالح را همانندان اصحاب عاشورا بدانیم و بخوانیم و افق و مرتبه مشاوره را در چنین منظر و جایگاه والایی بشناسیم و بشناسانیم.

عاشورا مشورت‌گاه تاریخ است و همه آنان که در پی یافتن الگو و اسوه‌ای متعالی هستند، به عاشورا و کربلا می‌رسند و حسین و یارانشان «مشاوران امین» همیشه تاریخ‌اند.

در اینجا از نکته لطیفی نمی‌توان گذشت و آن اینکه مشاور باید برای شهدآفرینی، همان‌گونه که «نحل» عمل می‌کند همواره در جست‌وجوی خوشبوترین و شهدسازترین گل‌ها باشد. هیچ زنبوری فرصت‌سوزی نمی‌کند و بی «شهد گل» به لانه و کندو بر نمی‌گردد. پس مشاور هر روز باید «دریافت تازه»، اندیشه تازه، و مطالعه تازه، داشته باشد. شرط شهدآفرینی، تکاپوی مداوم علمی است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. فرهنگ دانشگاهی (ترجمه المنجد الاجدی)، مترجم: احمد سیاح، فرمان، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۳. انطون نغمه و دیگران؛ المنجد فی اللغة المعاصرة، دارالمشرق، بیروت، ۱۹۹۶ م.
۴. سنگری؛ محمدرضا، آینه در کربلاست، انتشارات قدیانی، تهران، ۱۳۸۸.

شناخت ریشه واژگان و قلمرو معنایی آن‌ها، گاه دریچه‌هایی را برای درک ژرف‌تر و فهم همه‌جانبه‌تر پیش‌رو می‌گشاید.

واژه «شور» یکی از این واژگان است.

در فرهنگ‌ها و قاموس‌ها جز مفهوم هم‌فکری، نظرخواهی و اشاره کردن به چیزی، آمده است: الشور: انگبین یا عسل گرفته شده (فرهنگ دانشگاهی: ۵۴۳) و شارالعسل (عسل گرفتن) (المنجد: ۸۰۲).

با این معنی قاموسی می‌توان گفت:

- مشاوره: کام‌ها را شیرین کردن و تلخ کامی‌ها را زدودن است.

- مشاوره: شهدآفرین و نوش‌بخش کام‌هاست؛ کسی که تلخی‌ها را بدل به شیرینی می‌کند.

جلسه مشاوره: کندوی عسل! جایی که شهد و شیرینی تولید می‌شود. مراجع: جست‌وجوگر عسل؛ کسی که در پی فرآورده‌ای شفابخش است، چراکه تعبیر قرآن در باب عسل همین است: «شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ الْوَانُءُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» (سوره نحل، آیه ۶۹)

در این حوزه معنایی، مشاوره فرصتی برای «شفابخشی»، التیام دردها و مرهم‌گذاری بر زخم‌هاست و مشاور، طبیبی از جنس اعجاز مسیحایی که با «دم» خویش جان می‌بخشد و درمان می‌کند.

در توصیف شب عاشورا و حالات اصحاب پاکباز و عارف عاشورا نوشته‌اند که در آن شب لهم دوی کدوی النحل بین قائم و قاعد و راکع و ساجد (آینه در کربلاست: ۱۹۱): زمزمه‌هایی چون کندوی عسل داشتند و شب را در حال قیام، قعود، رکوع و سجود گذراندند.